



پیام کارگر

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سال چهارم نیمه دوم آبان ۱۳۶۹

ارگان کمیته خارج از کشور

اکتبر در قلب رنجبران جاودانه است!

موظف‌های این گروه مرتجع تاریخ از فراز اکتبر به زیر نمی‌آید بلکه به ارتفاع بلندتری می‌پسازد ارتفاعی کسسه تجربیات خوب و بد اکتبر در پیشی نوگرا بدست انسان فردا سپرده میشود. جزاینکه بورژوازی و مشتکی کسپریل انکار کننده که فرهنگ راستین انسان امروز که از انقلابات بزرگ ۱۸ و ۱۹ آبیاری شد حقیقتا با انقلاب اکتبر بود که بلوغ یافت و توسط آن در گستره‌ای به پهنای گره ارض بسط داده شد. انقلاب اکتبر ناقوس بیداری انسان زمختش و لختت شده بر کره ارض بود. بالاتر از این، بقیه در صفحه ۲

نماهای قرار گرفت، در زمان ماست که دگرباره چپسان پوست می‌اندازد، و در این چرخش، بخشی از دنیای مسا که با انفجار اکتبر بر دامنه تاریخ زاده شد خود دگرگون میشود. بورژوازی و مرتجمین و روی برتافتگان از سرد م و انقلاب این دگرگونی‌ها را بازگشت تاریخ میدانند و همسه جا تظاهر به پیروزی میکنند. اما واقع امر چنین نیست. هر گاه فضای آکنده از آسمن و ایفون بورژوازی را کنسار بریزیم و لختی با تامل به محتوای خواستها و تلاشهای انسان امروز، انسان گرسنه بیگانه، رنج کشیده و منکسر شده در چهار گوشه عالم نگاه کنیم، خواهیم دید برخلاف

با وجود باران تهمت و نفرتی که از هر سوی اکتبر باریدن گرفته است، برای آن کسانی که سوز سرما استثمار از پای می‌انگندشان، آفتاب اکتبر هنوز همیشه جان بخش و دلگرم کننده است. برستی هیچ رویداد بزرگی را در این قرن نمیتوان یافت که همبای انقلاب اکتبر چنین دیرپا و گسترده در معرض داوری و پیش داوریهای متضاد قرار گرفته باشد. با این حال، در زمان ماست که برای نخستین بار انقلاب اکتبر در فضایی بکلی متفاوت با دیگر در پیشگاه قضاوت عموم می‌ایستد، چرا که پس از تولد اکتبر که جهان در مدار

میخواهم از غرب برایتان بگویم از الکساندر زینویف

مطلبی که میخوانید ترجمه بخشهایی از مقاله «من میخواهم از غرب برایتان بگویم» نوشته زینویف در روزنامه «اخبار امروز» چاپ سوئد است. الکساندر زینویف فیلسوف و پرفسور دانشگاه مسکو در سال ۱۹۷۸ به جرم «فعالیت‌های ضد سویت» از شوروی اخراج شد. وی هم‌اکنون در آلمان غربی بسر میرد.

در این شماره:

- کنفرانس بین المللی دربارہ آ آینده سوسیالیسم در صفحه ۸
- فراخوان جهت شرکت در تظاهرات ۸ دسامبر در صفحه ۶
- زلزله در داریاب زهر مرگان در صفحه ۲

دانشجویان هوادار شورای عالی، تلاش در متن رویاهای گذشته

در تابستان گذشته دانشجویان هوادار شورای عالی تلاش کردند تا از طریق برگزاری یک سمینار وسیع، بلوکی از نیروهای مترقی و دمکرات حول «فعالیت مشترک و ادامه‌دار پیرامون دفاع از مبارزات مردم ایران» افشای سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و مبارزه بویولیسیتها و اقدامات ضد خارجی در آلمان «شکل یابد» رفقای هوادار شورای عالی در نامه خود به سازمانها اشاره داشتند که در گذشته ضمناً و کاستیهای داشته‌اند که بسا اعتقاد به «اتحاد عمل و همکاری با نیروها و عناصر» بقیه در صفحه ۵

داد و ستد غرب با مساله حقوق بشر در ایران

در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۶ با روسکرا و اروپا اعلام کرد که نام جمهوری اسلامی را از لیست سیا هود بیساک کرده است. این اقدام یک دست مرزبانی است در راستای «مخونیت» روسیه و نفخ حقوق بشر در ایران و عملکردها ندهای ضرورت است. اعلامی در خارج از کشور و خونهای ریخته شده فعالیسن بیورسیون در کوه و خیابان های بارسی و سن و استگلیه... دولت ایران حق دارد که موضع جدید را در مشترک را در سوتق آرا ره‌گری خود هر چه بلندتر بدمد، چون بیش از هر کسی دیگر ما هیت سر فریب ساست دول غربی را در سوئنه آرمایش چند ساله خود آرموده است و ارا بندرو بر او آزاد است. میهنکاری ندارد و سودای غرب را در سارار روز میشتا سدوظنه آرا به چون وجد میداند، پس جای شگفتی نیست، که در جنبویه نشت سران بسا راز مشترک، یک نفر را در دوروروشن دربار روس - دکتر الهی - به خاک و خون می‌نشانند، ز ضرورت هائی که را هیت تمیم سران است آکا می دارد، از جمله در لنین، از سر ابریدن سوما به های غربی سایرین، ارا و های موسسات مالی بیبنا لمللی، ارا حاسین بقیه در صفحه ۲

با زار مشترک اروپا
و پناهندگان
در صفحه ۳

فراخوان زنان،
علیه سواستفاده جنسی از کودکان
در صفحه ۶

دادوستد غریب با مساله حقوق بشر در ایران

زلزله در

داراب و هومزگان

در تاریخ ۱۵ آبان ماه زلزله ای با قدرت ۶٫۶ ریشتر شهر داراب و گستره وسیعی از جنوب استان را زلزله زد. ده‌ها سانسنگران و ریشرسی مقامات دولتی، در برابر آوردن و لیبه ۲۳ نفر جان خود را از دست دادند. این زلزله باعث مالی فراوانی سیدر و ستاهای اطراف بسا را آورد و میران خسارت رازه به ساختمانها را سبب شد. ده‌ها ریزیایی کرده‌اند مهتاسا زلزله دیگری در استان هومزگان و شهر سندر عباس و حیره قسم را به لرزه درآورد در این حادثه ده‌ها خسارتی نظیر کمال و صددرمدتخریب شده است.

ماضن اسرار همدردی با خانوادهاشی که عزیزان خود را از دست داده‌و با درویمت ناساسی اسرظرمکن و بهداشت قرار دارند، ضرورت کمک رسانی به هم میبماند. کمیت دیده‌خود را با دیگران شکر و مسکنیم. روشن است که در برابر اسرچوادیسی ارایین سست، رژیم ارتجاعی حاکم بسا، بیانش قادره امداد رسانی مناسب نیست. همین چندی پیش در سفر رفسنجانی وموسوی به مناطق زلزله زده گیلان و رزنجان، معلوم شد که وعده‌های اولیه رژیم برای کمک به مردم، طفل توخالی بوده است. مثلا حضور مداخله رسلوئان با زنگنه‌اشنده‌اند و با اسکندگفته‌اند ما را می‌باختنما شهای تخریب شده، سمال بسرازاخواهدکشیده.

برطبق گفته کامل خیرخواه نماینده لاهیجان در مجلس شورای اسلامی، هنوز بیساری ارمرد آسیب دیده در زلزله گیلان، همان مقدار پول نابعیز را - ۲هزار تومان - که قرار بوده آنها برودا خرد شود، دریا فت نکرده‌اند. در حالیکه سانسنگران شهای موشق، بسبب ارایرکا لاهاشنی که رخا رچ کنویر برای کمک به زلزله زگان ارایال شده بود، دربارا راسیه خرد و فروش میشدند.

با
پیام‌کارگر
همکاری کنید
و برای آن بنویسید!

سروسترا بس ضرورت هاست، که اسکندگمکران سبک درآلمان فدرال، سمناسست قرار بسدن رور ۱۰ دسامبر، رورجیانی س حقوق سبر، همه براسا ن مردم درآردخواه را برای شرکت در نظر اسسرات اعتراف می‌رسانا بر سرافات حکومت تروردرین دعوت کرده‌اند. اقدام اس تشکیلیا، اقدامی ارزنده و قابل ستایش است و با بدمورد بهشتیانی همه جا سه قرار بگیرد، قرار ترا راس، همه‌فعا لسنسار مان ما و همه سبروها ی مفا حورسا شنده در خارج ارکشور، در هر نقطه‌ای ارچان که باشد، با سبند اس روررا بسورودا دعواست عمومی علیه رژیم جنایتکارا اسلامی تبدیل کنند. با هر شیوه ممکن، با بیادفکار عمومی غرب را نسبت به اوضاعی‌تک‌در ایران روجودا رد حاسن کرد، بسوژه‌ها بسند سوست دولتها ی غربی را با جمهوری اسلامی آشنا کرد. بسوژه‌ها بسداسنا س ترور دولت جمهوری اسلامی در خارجا رکشور را برای شهروندان ارکشورهای میران توضیح داد و ترسج کرد. با بدگفت اس ترورها با همکاری و سگوت همه‌لانه دولتها یشان است که سست صورت میگیرند. با بدگفت اس ترورها رسا ار شهران و اطرف دولت جمهوری اسلامی هدا سست میشود. و با بدسبنا رچیرهای دیگر گفتار موقعیتی که در افتای جمهوری اسلامی دارم سخری سبره سکرسم ریس خود را نسبت مردم مسین خودا داکسم.

آداب ما صفحه ۱

رفایت آمریکا ار موضکمیر بسا پیش در سحران اخلیج... به خوبی رتوف دارد. بس چه جای نگرانی است رژیم اسلانی کره سبتا با کاری خودا مدنده، خطا کرده است. و جان دولت های غربی، چون همیشه تابع "حقوق سرمایه" است. حقوق انسانا چه معنا دارا؟ گرایین انسان رایشنا رهدنیایا هموسا سند، راستی اسن حقوق چه معنا شدارا؟

اسوی دیگر با زمان مغربین الملل بسا انتشار بسا سنا و در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۹۰ سار دیگر سبما ار دمستن جمهوری اسلامی را در مغربسوی داروی عموم قرار میدهد. در اسن گزارش آمده است که هیچ سببوی در رفصیت حقوق بشر در ایران رخیدا ده‌وسا با ظور سرفرا راست و داغ رفتن ر سحرگاهان تشر سکرسم که سرای حکومت جمهوری اسلامی، سنازی سهارا سنج سندا شادی نیست به همین رور با مهای دولتی ارکشوراه کشیده سوبه ندرت شمارهای رامستوان بسدا کرده که در آنا حکام اعادام رسنگا روظیفه سست و با درج سنده با سند. لیکر گزارشا ریشا ریش با رسنا ععربین الملل میبشانه، چنان چون سندی تکان دهنده سرای افتای سیاست های جمهوری اسلامی برای فعالین سیاسی در خارجا رکشور منید با سند. تا س تکبیر اسن، سنا و سنده چه بسندر جمهوری رژیم اسلانی را در افکار عمومی مردم غرب رسا کند.

اکتبر در قلب رنجبران جاودانه است!

آداب ما صفحه ۱

اکتبر به مفیوم آن بوده دیگر شنگام آن فرارسیده است، هیچ بودگان تاریخ بر سرنوشت خود حاکم شونده‌اند. نیسای شریف خود را زمینی کشند - خاها با بگراهیبا و سکتبهای قاجعه‌ها با رچوود شرفات مملکشان نمیخوانند به اجسای دوباره اسن خرافه بورژوازی منجر گردند که نظراسام سرمایه‌داری و استثمار انسان از انسان نظامی طبیعیسی و چاودانه است - فرهنگ مادی و معنوی انسان عمر مسا از آن مرحله در گذشته است که سوظن خود را به استثمار سرمایه‌داری از دست بدهد. و اسن فرهنگ بزرگترین دستاوردی است که از اکتبر به میراث رسیده است - اسن دستاورد با هر خدمه و مینرنگی که بورژوازی بکار بنسند و هر چه زیرکانه‌تر شکست "سوسیالیسم موجود" را به س عنوان شکست "انتریویای برابری انسانها" وانمود سازد، بازگشت ناپذیر است، هر قدر بورژوازی بکوشد رخسار بسا

طراوت و پیرنشاط اکتبر را با خرافات وهم انگیز خود بیالاید، حقیقت اکتبر روشنتر از هر زمان دیگری رخ خواهد نمود. چرا که اکتبر حادثه‌ای در گذشته‌ها و دور ستهای نیست - اکتبر زنده است و از پس هر اغتصاب و عصیان و انقلابی که در چهار گوشه عالم کشد، سر بسند می‌کند. آسانی که اس سروز شرمسارانها از انقلاب اکتبر روی برمی‌تابند، بیشتر از همین انقلابات جاری است که رویگردان می‌شوند. در واقع قضاوت نسل ما در باره انقلاب اکتبر، همانند همه داوربشانی که پیشتر، فراری نسلهای گذشته بوده است قضاوتی است درباره مشروعیت سرمایه یا انقلاب.

وسلام ما به اکتبر سلامی است به انقلاب اسلامی است به توده‌های کار و زحمت که تسلیم ناپذیرشان به استثمار، آزموون روزانه‌شان است - آنان از اکتبر می‌آموزند و پورخسوت ولختی محیط بورژوازی تن نمیسپارند، هرود بر آب سار و درود بر اکتبر کبیر!

بازار مشترک اروپا و پناهندگان

گکیل لوئشر (۱)
مترجم: کاوه

اروپای غربی، امروزه کم‌بهنظر می‌رسد. حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون پناهنده اروپایی در اثر جنگ جهانی دوم پدید آمده‌اند. با درگیر شدن مرزی میلیونها نفر سرتانها آغا فیه میشوند. بازترین نمونه آن در قریب ۱۲ میلیون آلمانی نگراند رانده شده بسوی غرب در خارج از کشورهای اروپای شرقی و مرکزی است. که هم‌محدوب‌روپایی غربی بعد از جنگ شده بودند و هم‌اینکه دوباره راه ما دروا دریاها اسکان یافته بودند. هم‌همه متقاضیان پناهندهگی در اروپا از ۱۹۴۵ به بعد چیزی کمتر از نصف درآمد همه جمعیت بومی است. علیرغم همه شدت‌ها، سبیل متقاضیان پناهندهگی، تقریباً در همه کشورهای اروپایی غربی، کمتر از دو در صد پناهندگان جهان نسی امروز هستند.

دربین‌شان از ۱۹۸۴ تا به حال چیزی قریب ۲ درصد جمعیت انگلیسی است. به‌مروت شمار متقاضیان پناهندهگی موجود در اروپای غربی در مقابل دهه‌های اخیر گسترش وسیعی یافته. بطوریکه افزایش‌ها از ۱۹۶۵ تا متوسط ۳۵ درصد و در اوت ۱۹۷۵ تا حدود متوسط ۱۹۵۰۰۰ در سال ۱۹۸۲ به بعد تقریباً یک میلیون نفر پناهندهگی در اروپای غربی وارد شده‌اند. (۴) اکثر متقاضیان پناهندهگی در دهه‌های اخیر از کشورهای جدید افزوده نبوده، بلکه از کشورهای است که متحمل ناآرامیهای شدید درونی و جنگ داخلی و یا اختناق شدید بوده‌اند.

افزایش سریع پناهندهگان رتک خطرناک برای حکومتها و معاهد اروپا به‌صدا درمی‌آورد و آنچه مربوط به سیاست‌گذاران اروپا میباشد بیشتر متوجه نوع از متقاضیان پناهندهگی است که بی‌نظم و قا‌عه‌زمرها پناهنده‌اند. و بسپاری از پناهندهگان "جدید" از کشورهای جهان سوم هستند. در صورتیکه میتوان گفت در گذشته وارد شدگان از کشورهای وارد دست‌بمراستند در سطح خیلی کمتری بودند. تا سالهای اخیر اکثر پناهندهگان از نظاری در جهان سوم، منطقه‌ای بوده و به کشورهای همسایه پرواز میکردند.

دولتهای اروپایی به‌سمان لسل (UN) و کشورهای پناهنده پذیر مربوطه کمکهای اقتصادی و سیاسی کرده‌اند. اما محلهای با‌زم بیشتر برای افزایش تعداد دو سیم پناهندهگان در نظر گرفتند.

دروا خرابیهای ۱۹۷۰، در برابری مهاجرت عظیم از هندوچین و ژاسلای و دیگر کشورهای امریکای لاتین، دولتهای اروپایی

این مطلب ابتدا بطور خلاصه، با اکثر دوره‌های دفاع از حقوق پناهندهگی در اروپا، از پایان جنگ جهانی دوم تا به حال را، تجزیه و تحلیل خواهد کرد. سپس به بررسی سالهای ۱۹۸۰ یعنی سال ورود وسیع متقاضیان پناهندهگی به اروپای غربی که سیاست‌گذاران را با مشکلات کمی و کیفی جدیدی مواجه نمودند خواهد دید. بحث و مشخص خواهد کرد که چه چیز جدیدی در رابطه با این پدیده وجود دارد. آنگاه به بررسی عوامل پناهندهگی خواهد پرداخت و اینکه چرا دولتهای اروپای غربی قادرند محدود کردن ورود تازه‌واردین به‌مانع تراشند و به شهیدیه متوسل شده‌اند و در اینجا به بررسی کشورهای عضو بازار مشترک پیش‌خوانه‌نگرفت تا سیاست پناهندهگی اروپا را فرموله کنند. اما ره میکنند و آنگاه مطرح می‌شود، هنگامیکه طرح سیاست آینده در مورد پناهنده متقاضی پناهندهگی در نظار است، چه چیزهایی از نظر سرمداران اروپای غربی در اولویت قرار خواهد گرفت.

برلبه بحران جهانی پناهندهگی

از سالهای ۱۹۸۰ بعلمت درگیر بیبایی منطقه ایونینبرات ناگهانی و وخیم شدن اوضاع در شرق باقت و مدخله، ابر قدرتها، حکومتهای وسیع پناهندهگی در جنوب شرقی آسیا، جنوب آسیا، آسیای میانه، شاخ آفریقا، آفریقای جنوبی و امریکای لاتین بوجود آمد. تعداد این جمعیت پناهنده در جهان قریب ۱۴/۵ میلیون نفر است. (۲) ۹۰ درصد پناهندهگان از کشورهای جهان سوم هستند. بیش از ۹۰ درصد این تعداد در همان جهان سوم می‌مانند. بیشترین تمرکز پناهندهگان به نسبت جمعیت در قریب ترین کشورها است. اروپای غربی برلبه بحران جهانی پناهندهگی قرار گرفته است. به این دلیل که فقط با کوچکترین موج از جریانی وسیعی که از جهان سوم نشأت میگیرد، درگیر شده است. طبق آساندا ردهای گذشته که مطابق با آساندا ردهای جهانی امروز است، تعداد پناهندهگان

از سال ۱۹۹۲، حذف مرزهای ملی بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و تحمیر آزادی‌ها نه‌درآمد مرزهای ملی در درون منطقه، با تحقق یک بازار واحد صورت می‌پذیرد. ایسن سیاست که ضرورتاً از آثارهای پناهندهگی و سیاست پناهنده‌پذیری در منطقه را دربر خواهد گرفت. تاکنون به‌نداره‌کافی وبه مقیاس وسیع که به شکل بازار مشترک و تقویت کنترل مرزهای خارجی بازار مشترک با شدد نظر گرفته شده است. از او اسل دهه‌ها شتاد، دولتهای اروپای غربی برای یکان کردن سیاست‌های بازار مشترک در برابری متقاضیان پناهندهگی تا سال ۱۹۹۲، ملاقات‌هایی داشتند. تلاشهای این دولتها برای هماهنگ کردن سیاست‌ها، با سوئیس، شدد و مخالف بسیار اراخا بستی موجود، که از منافع پناهندهگان در اروپای غربی حمایت میکنند، ره گردیده است. اوسامات دا طلب درجهای پناهندهگان، کلیساها و بعضی از اعضای پارلمانها معتقدند که بین دولتهای میخا هند برای ورود پناهندهگان به کشورهای اروپای غربی تضمینی قابل شونه. در واقع آنچه مور دنیا ز آنها نیست سیاستی متناقض است که هم‌جور با سکس کسنرهای بین المللی و هم‌بنیاز های پناهندهگان باشد. موضوعات استراژیک نه فقط برای سبک کردن موقتی مشکل بلکه برای بحث همرا به ریشه‌هایی مشکلات با برجامانده‌اند. برای دولتهای اروپای غربی و بازار مشترک اروپا، حداقل یک دوره طولانی استراژیک لازم خواهد بود که میتواند برای گسترش سیاست‌ها پناهندهگی کشورهای جهان سوم که اکثر پناهندهگان از آنها هستند، مدافعی حقوق بشر باشد. فقط زمانی درجهت حل مشکلات پناهندهگی پیش رفتنی صورت خواهد گرفت که سبیل المللی مسالئی که پناهندهگی از آن سرچشمه میگردد بطور کامل درک شده باشد و همین بطور کامل در برگیرنده رو با سبیل و گسترش نیا دهای سناهندهگی باشد.

غربی سهمیه جا تراک دیده و شروع به همسایری درجا بجای پناهندگان انتخا بی به وطن جدید- شان نمودند. گرچه بنا هنده پذیرنی نسبتا افزایش یافت، اما بدینوسیله آنها بعنوان قسمتی و مرحله ای از یک پروسه طوری عمل نمودند که میخواهند از اجاره ورود نا شهیدا تحت کنترل دولتهاستاد بر بیآورند.

میتوان از نظرا اهمیت ادعا نمود که افزایش اجاره ورود به هیچوجه قابل مقایسه با سایرین متقاضیان پناهندگی در هندوچین و آسیا آمریکا ای لاتین نیست به رویای غریبی نبوده است. بالاخره در اوائل سالهای ۱۹۸۰ دلسوری مست- پایه، هم نقطه پایانی بر این برنا مه های سهمیه بندی گذاشت و هم اینکه جامعه اروپا بخاطر این دولتها نشان دادند که کنترل مهاجرت ممکن است.

به موازات ورود پناهندگان سیاسی به اروپای غربی، کسانی هم برای تأمین اقتصاد زیاده تروا منیت شغلی بیشتر کنترلترا را فرسرد می کنند و تقاضای پناهندگی می نمایند، که دولتها متوجه ورود اینگونه افراد که فعلا لیست های اقتصادی شان اجاد بی نظمی در جامعه صنعتی اروپا می نماید شده اند، بجای های جمعیتی ممکن است نشان از جریان عظیم مهاجرت شمالی - جنوبی و ناشی از تغییر در اما تیبیک شرایط محل زندگی و جراثای ساختاری اقتصادی اجتماع پیش رونده در جهان سوم باشد.

پذیرفته شدگان پناهندگی، اما لیست سنگینی را سر می ستودا درسی برای بدستورتن پناهندگی را در کرده اند. بطور مثال در آلمان، ۷ (هفت) سال و دود دیگر کشورها از ۱۸ ماه تا چند سال زمان پذیرش پناهنده بطول انجامیده است. مشکلات اداری، ترکیبی از افزایش شامرتقاضیان پناهندگی که بدون مدارک و یا با سپورت های جعلی ویا بدون ویزای معتبر و یا با ویزای تقلبی به کشوری وارد میشوند (است. ۴). بعلمت مشکلات عیدیه در زمینه خدمات اجتماعی، عدم استفاده کارمندی برای سرعت بخشیدن به کار پناهندگان، و در بعضی موارد دیگر درون ایالتی، مساله پناهندگی را به یک جریان بزرگ سیاسی در بسیاری از کشورهای اروپایی تبدیل نموده و دلنشا هم با ستای عدم پذیرش، حالت دفاعی بخود گرفته اند.

سیاستهای پناهندگی اروپا بعد از ۱۹۴۵

در دوددهه بعد از جنگ، تقریبا تمامی

کسانی که به کشورهای اروپای غربی پناهنده شدند، از کشورهای اروپای شرقی بودند که بعلمت فشارهای سیاسی و اقتصادی در کشورهای ونا هتهای فرهنگی با این کشورها پناهنده شده و بعنوان نیروی کار برای رشد توسعه اقتصادی غرب بشمار می رفتند. در طول جنگ سرد بدلائل سیاسی وایدئولوژیک، اگر تئوسبق نمی شدند، حقوقشان را گرامی میداشتند. از ۱۹۸۱ تا زمان اخذ شدن دسورا برلین در ۱۹۶۱ حدود سه و نیم میلیون نفر از طریق برلین شرقی وارد آلمان غربی شدند و شما روسی از دیگر گفرا برین راه شان را از میان مرزها سمخا ردا همراه با جریان برق، به اروپای غربی بازم نمودند.

شما روسی از پناهندگان از کشورهای سوسیالیستی، بدون سوال و جوابهای جدی از چگونگی حرکت و عریض نشان، فوراً پذیرفته میشوند. از ۱۹۶۰ که کشورهای سوسیالیستی کنترلشان را بر مرزها محکم تر نمودند، ورود از شرق به غرب کاهش یافت.

در طی دوسال اخیر، جریان بسیار پناهندگی از اروپای شرقی به اروپای غربی شکل تا سف با ری شدت یافت، نسبتا سمدار و در مقایسه با اوائل دوران جنگ سرد به خود جرات پذیرش تاوما تیک پناهندگان از اروپای شرقی را نمیدهند. بنا بر این آنها دلائل اقتصادی و بیوسن مجدد به خوانده در نظر میگیرند.

در این زمان تقاضاهای معدودی از طرف پناهندگان از کشورهای جهان سوم برای اسکان در اروپای غربی وجود داشت. اکثریت عظیمی از غیر اروپاییان که بعنوان پناهنده، بلکه بعنوان مهاجر در کشورهای اروپای غربی دست- بندی میشوند بعلمت درگیریهای استقلال طلبانه کشورها ترک مینمودند. بطور مثال در سالهای ۷۰ و ۱۹۶۰، بعد از استقلال الجزایر، مورامیک و تانگولا، ده هزار نفر و او دفا رسه و پرتغال شدند. ۲۸ هزار واکا ندادی، آسیای، در بریتانیا پذیرفته شدند، حدود صد و هجده هزار کوبا نیسی در جستجوی پناهندگی در اسپانیا بودند. شهدا کممی هم برای فرار از دست رژیمهای دست راستی اسپانیا، یونان و پرتغال به شمال اروپا وارد شدند. (۷). اگرچه تعدادی از این افراد بر طبق کنوانسیون ژنو، برای جلوگیری از درگیری با کشورهای همسایه، پذیرفته شدند، ولی به اکثریت آنها اجازه داده شد که بعنوان مهاجر در کشورهای سیزمانی باشند. (۸)

او فرما سالهای ۷۰ و ۱۹۵۰ بعلمت دوره رشد اقتصادی در اروپا، این کشورها به نیروی کار و کارگران مهمان و میلیونها زحمتکنان اروپایی

شرقی و مستعمره های سابق اروپا در آفریقا، آسیا، کارائیب و اروپای جنوبی نیا زدا شدند. بطوریکه هندی های غربی و آسیایی ها به بریتانیا و آفریقای های شمالی به فرانسه اندونزی ها و موریشا ها به هلند، ترکیها و اروپای های جنوبی به آلمان آمدند. (۹)

در اوائل سالهای ۱۹۷۰ حدود ده میلیون کارگر مهمان و دو میلیون مستعمره های سابق اجازه سفر به کشورهای اروپایی را یافتند. (۱۰) دولتها اروپایی هیچگاه تمایل به اسکان دراز مدت کارگران مهمان از سالهای ۱۹۶۰ در کشورشان را نداشتند. بطوریکه با ماندن نیروی کار در سالهای ۱۹۷۰، توقف مهاجرت نیروی کار در ۱۹۷۴ صورت گرفت ولی این مانع با عسرت برگشت کارگران مهمان به کشورها نشا نگردید. اما شوک قیمت نفت در ۱۹۷۳ و سقوط اقتصادی تولید نفت خاور میانه باعث شد که فشار بر مهاجرین کشورهای غیر اروپایی، مخصوصا مغربی ها، افزایش یابد.

تعداد کارگران برخلاف سالهای ۱۹۷۰ در سال ۱۹۸۰ فقط در حدود چوکی از کل مهاجرین را تشکیل میداد. ده ها ۸۵ درصد مهاجرین قانوی بخاطر مشکلات اجتماعی و ناشی به این کشورها آمده بودند. (۱۱)

بطول سال ۱۹۸۵، مرحله ای خاص در تاریخ مهاجرت کارگران بود، چرا که شهدا دکارگساران خارجی که با اجازه قانوی وارد شده بودند، افزایش چشمگیری یافته بود. ادامه دارد

(۱) مقاله ای که ملاحظه می کنید توسط یکی از کارشناسان مسائل پناهندگی نوشته شده است. کمیل لوشتر نویسنده مقاله در این زمینه تحقیقات و بررسی ها را با همکاری عالی کمیسرین امور پناهندگان در زمان ملل انجام داده و کتاب - ها را به رشته نشر درآورد و در این روش است که ما با تحلیل نویسنده درسیاری از موارد درمافق نیستیم، ولی در این حال نوشته حاضر بخاطر نکات مفیدی که در دسورا چاپ در نشریه انتخاب شده است.

(۲) تمامی کشورهای غربی، کنوانسیون سالهای ۱۹۵۰ ملل در رابطه با وضعیت اجتماع، پناهندگان را امضا کرده اند، که در آن پناهنده بعنوان شخصی که کشورش را بعلمت ترس از تعقیب، خواهرزادگی، مذهبی، ملی، عضویت در یک گروه خاص اجتماعی و خواه عقیده سیاسی ترک کرده باشد،

دانشجویان هوادار شورایی‌عالی تلاش در متن رویاهای گذشته

ادامه از صفحه ۱

مترفی و دمکرات " تلاش برای " گسترش و همه جانبه نمودن فعالیت خود " را نیز در نظر دارند.

لیست دعوت شدگان دانشجویان هوادار شورایی‌عالی، ۳۰ قلم را شامل میشود، که از سازمانهای واقعی و سیاسی شروع به جریانات و عناصر غیرواقعی و ناموجود سیاسی مثل هواداران سازمانهای متلاشی شده، تا دوام یافته و با تشکلهای میکراتیک واقعی و سیاسی گویسه-مامل شورای پناهندگان حزب " کمونیست " دست ساز-مامل شورای پناهندگان " در لیست کلاً ناهمگون سازمانهای سیاسی دعوت شده از سازمانهای سوسیالیستهای ایران تا طرفداران هم استراتژی هم تاکتیک مبارزه مسلحانه، از میتوان مشاهده کرد. طرح رفقای هوادار شورایی‌عالی البته شکست خورد، طیف کلاً غیر متجانس و بعضاً غیر موجود و بعضاً نا متناسب به چنین سمیناری روی خوش نشان ندادند. البته واحد فرانکفورت سازمان ما در مراد ماه به فراخوان رفقا پاسخ مثبت داد و پیشنهاداتی برای پربارتر شدن نشست ارائه کرد. اما بودیچکه چنین سرشوشت و سیاسی چیزی مشابه آنرا پیش بینی میکرد.

اما اینکه چرا دانشجویان هوادار، چنین خوش خیالانه به تدارک چنین سمینار " وسیعی " همت گماشتند را می‌باید در دو ارزیابی غیر واقعی آنها یافت. ارزیابی اول به بررسی گذشته نزدیک جنبش خارج از کشور بر میگردد. رفقا در دعوتنامه خود چنین نوشته‌اند: **مشابهت** پراگندگی بر نیروها و عناصر مترفی و دمکرات حاکم گردیده است. تا کنون و حتی در فروری-ترسین شرایط فقدان یک بلوک مترفی و دمکراتیک محسوس بوده و گامهایی که این نیروها و عناصر در راستای مبارزات مشترک برداشته‌اند هواره مقطعی و بسودن ادامه‌گاری بوده‌است. " اتناکیدامات است بر این ارزیابی اول " ترکی غیرواقعی از جنبش خارج از کشور ارائه میشود.

جنبش خارج از کشور در چند ساله اخیر ۰۰۰ نه متفی، بلکه هواره در پراگندگی حاکم بهر نیروها و عناصر مترفی شده و پیا زده است. این امر در جنبش ضد جنگ، جنبش مهاجرین و دفاع از زندانیان سیاسی بدینجه وجود داشت و با آمار میتوان آنرا اثبات کرد. آخرین تحرك از ایندست را میتوان در تظاهرات ۱۰۰۰ جمعیت فرانکفورت، که بدعوت دانشجویان هوادار شورایی‌عالی طیف اقلیت و گویسه ۰۰۰ و تظاهرات ۲۰۰۰ نفره تشکلهای کانگونیهای دمکراتیک در برن، که سازمان ما نیز از آن حمایت کرده بود، دید. تظاهرات در یسک روز و با مخفون واخه، ولی با زمانه‌های نوجوانان و حامیان مترفی و گاه شدیداً مخالف هم، و هر آدم روشن بینی، می‌داند این تفرق و پراگندگی ناشی از درک فرقه‌گرایانه و عقبنی قیم مآبانه در گروه بندی هواداران طیف اقلیت، و وسیعی منجمله همین دانشجویان هوادار شورایی‌عالی، و حسرتی " کمونیست " گویسه بوده است. ثانیاً تغییر شرایط و احوال جهان و ایران از ارزیابی رفقا و وجود ندارد. اوضاع و احوالی که بزرگترین زمین لرزه تاریخ عصر جدید بعد از انقلاب کنونی است. مردان شرابست تصور ثبات نیروها و برنامه‌ها به یکسکمی بلکه یک نمایش

عمیقاً تراژدیک است. عدم ثبات نه تنها در میان نیروها، بلکه در فعل و انفعالات درونی این سازمانها نیز از مشخصه دوره کنونی است. بنابراین اگر بخواهیم گذشته نزدیک از دو جهت خطاست. اولاً نیروهای گذشته دیگر مختصات قبلی را حاضز نیستند و ثانیاً تکیه بر بلوک بندی تصنعی صوری و بعضاً فرقه‌ساز سابق یعنی " پراگندگی بر نیروها و عناصر مترفی و دمکرات حاکم " میگردد و این با اهداف ارائه شده توسط دانشجویان هوادار خوانایی ندارد.

برای تشکیل بلوکی از عناصر مترفی و دمکرات، دو تغییر مهم در برنامه عمل دانشجویان هوادار به سه چشم میخورد. آنها در : نامه ارائه شده برنامه اینس بلوک را بر پایه دمکراسی و آزادهای سیاسی قراردادند که بتواند دخلت فراگیر داشته و طیف گسترده و وسیعی را شامل شود. نیروهای شرکت کننده را نیز کمی فراختر گرفتند. البته در این امر هنوز بسا ناپیگیری و تزلزل حرکت میکنند. مثلاً آنها از سازمان سوسیالیستهای ایران دعوت کرده‌اند، ولی از سازمان فدائیان خلق ایران و یا حزب دمکراتیک مردم ایران اسمی نبرده‌اند. اما این دو تغییر در گام اول-بلوک

فرقه‌ای سابق را مضموناً متلاشی میکند. زیرا اینس بلوک از آزادهای سیاسی و ضرورت حیاتی آن برای جنبش داخل و خارج بوشی نبرده‌است و جنگلی سازمانها و گروههای سیاسی واقعی را در بایکوت قرار ماهه و هسر حرکت کوچک مبارزاتی را با شرط و شروطی بی فرقه‌ساز و سازمانی. محدود و مسدود کرده است. یعنی در واقع بیش از نصف نیروهایی که دعوت شده‌اند، هم بدلیل مخالفت با برنامه ارائه شده و هم بدلیل اینکه با دیگر نیروها اشتقاق نمیکند، با طرح رفقای دانشجویان هوادار نیز در سیاست اشتقاقی بیشتر خملت دنباله روانه دارند و مثلاً اگر حزب " کمونیست " گویسه و یا هسته‌سب اقلیت در اشتلاف نباشند معمولاً نخواهند آمد. مسئله سازمان وحدت کمونیستی- تعدادی نیز حمله و تشریه‌که نام برخی از آنها را اولین بار بود که ما میشنیدیم. دعوت شدند که بیشتر جنبه تجملی و فرمالیستی برای افزایش لیست دعوت شدگان را داشت. و ۰۰۰ درصد بقیه دعوت شده‌اند نیز تشکلهای و جمعتهای میکراتیک پناهندگی، زنان خویشنگان و ۰۰۰ بودند که اساساً بدلیل فقدان برنامه جهت سازماندهی مهاجرین از ناحیه دانشجویان هوادار به بلوکها و جبهه‌های سازمانی دعوت شدند و روشن است، که خود آن جمعیتها کمتر به شرکت در این بلوکها بویژه در شرایط کنونی راغب هستند.

مفاه اعلام شده و خواست شرکت گسترده و وسیع نیروهای دمکرات و مترفی از طرف دانشجویان هوادار شورایی‌عالی با ارزش و نیکیست و باید برای آن تلاش کرد. کام اول برای چنین پلانترمی سه لیست گسزدن اساسی سازمانهای و گروههایی است که اصلاً به آن اعتقاد ندارند و یا موجود نیستند و یا بدلیل مضمون منفسی سازماندهی ظرف دیگری می‌یابند، بلکه ابتدا میبایست نیروها و سازمانهایی را که به پلانترم آزادهای

سیاسی باور دارند و بلکحاضیا، این نیز در کانگونی و تفرق و هاتیراتی میگذاردند که در آرد و از اینطریق هسته محکمی بساری پایه‌ریزی اشتلافهای وسیع و گسترده‌تر را تدارک دیدند. از این کا تال میتوان به آن بخش از نیروهای انقلابی نیز که به اشتلافهای سیاسی گسترده باور ندارند- فشار آورد تا خط تفرق و انزوا را کنار بگذارند و بسه این جنبش بی‌یابند.

بنابراین دانشجویان هوادار شورایی‌عالی در تناقض ارزیابی نادرست از گذشته و برنامه نسبتاً واقعی از آینده قرار دارند. حرکت اخیر دانشجویان هوادار برای تشکیل سینار و شکست رفت انگیزه آن نشان میدهند که دانشجویان مکتور هنوز دل‌بسته رویاهای گذشته‌اند. این رفقا بارها به درخواست ما و سازمان فدایی با دلایل غیر قابل فهم و ناموجه پاسخ مخفی داده‌اند. یعنی از یک همکاری واقعی و تمربخش تن زده‌اند و در همانحال در اندیشه سازماندهی یک حرکت وسیع و ادهم ادامه دار از یک طیف ناهمگون سیاسی بوده‌اند. ۰۰۰ اهم حرکتی که از قبل محکوم به شکست بوده است. شما این تناقضی در درناک را چگونه تحلیل میکنید؟



تظاهرات علیه کشتار فلسطینیها

استکلم

شنبه ۱۳ اکتبر تظاهراتی بدعوت جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مرکز شهر استکلم برگزار گردید این مراسم با حضور نیروهای مختلف از جمله PL و مسلمانان لبنان، حزب کمونیست مارکسیست-لنینیستی انقلابی (PL) (۲) هسته اقلیت سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برگزار شد. این مراسم با سخنرانی نماینده PL-0 نماینده مسلمانان لبنان و نماینده حزب چپ سوئد آغاز شد. پس از آن بسا راهپیمایی بسمت سفارت اسرائیل و بعد آمریکا بنیابان رسید.

بورش و توضیح :

در شام ره ۲۴ یکا بر کرد در میرزا نیباز ز مما حبه با آقا یرمیرزان اشتباهی رخ داد که با بورش از خونندگان آقا یرمیرزان بدینوسله توضیح میشود: مطالب مندرج در فاصله بین ۱۹ سرتون دوم، صفحه ۶ تا سرتون ۲۹، سرتون سوم همان معده با پیشی از سرتون ۲۳، سرتون دوم صفحه ۷ مطالبه شود.

فراخوان زنان،

علیه سواستفاده جنسی از کودکان

بن ۱۷ اکتبر - بر اساس تخمین اداره جهانیات آلمان به از هر چهار دختر در آلمان فدرال، یک نفر مورد سواستفاده جنسی قرار گرفته است. شکل جدید این سواستفاده در ماههای گذشته، تجربه فیلمهای سکسی ویدیویی از کودکان میباشد که روز جمعه در پارلمان مورد انتقاد نمایندگان زن از تمامی فرانسویهای موجود در پارلمان و همچنین دو عضو کمیسیون کودکان پارلمان، قرار گرفت. آنها از مجلس خواهان مجرم شناخته شدن دارندگان ایس

گونه فیلمهای سکسی و همچنین افزایش میزان مجازات تکان دهندهای از آمیزش جنسی با کودکان چهار پیا پندجساله در آن وجود دارد، برده برداشته. در تهیه این فیلمها، کودکان قربانیان سواستفادههای جنسی و تمامی پیا مدهای سخت جسمی و روحی آن در تسمام طول زندگی خود میباشد.

نماینده دیگری از دولت افزایش مجازات از یکسال به سه سال برای پورنوگرافی تجاوزکارانه کودکان را اتفاقا کرد. او تا و نورفل یک نماینده دیگر خواهان این شکسه از این به بعد از سواستفادههای جنسی میبایست تحت عنوان استفاده تجاوزکارانه جنسی نام برده شوند. دست آخر نوربرت آبر-یکی دیگر از نمایندگان اظهار داشت که تا امروز بسیاری از نمایندگان در پارلمان، نمیتوانستند، ابهام پورنوگرافی کودکان را تصور کنند.

زنانه اشعیت نماینده سوسیال دمکرات اظهارات بالا را بدینگونه ادامه داد که در آلمان یک شبکه مبادله ویدئو که متشکل از ۳۰۰۰۰ جمیع آوری کننده فیلمهای سکسی کودکان می باشد، وجود دارد. زنان نماینده در مجلس همچنین از کاتالوگی که برای

دفاع از جان زندانیان سیاسی را یاری نمائید.

فراخوان

با فرارسیدن ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر و منظور ادامه سنت بزرگداشت این روز به مثابه تریبونی برای افشای پاپمال شدن کلیه حقوق انسانی میلیونها ایرانی سرکوب و حیثانه و همه جانبه مردم در تمام زمینه های اجتماعی و سیاسی و اعمال تشویقات و کشتار در زندانها فریاد اعتراضی خود را بر علیه رژیم خونخوار و ددمنش جمهوری اسلامی ایران بگوش همه جهانیان برسانیم.

به همین مناسبت همگان را به شرکت در تظاهرات در مقابل سفارت رژیم در شهر بندرتاریخ ۸ دسامبر ۹۰ دعوت مینمائیم. بنام حقوق بشر ما حمایت شما را برای زنده نگه داشتن خاطره همه اعدام شدگان و در حمایت از جان تمام زندانیان سیاسی ایران از این حرکت خواستاریم.

فراخوان جهت شرکت در تظاهرات ۸ دسامبر

بمناسبت فرارسیدن ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر سه شکل دیگرانیک در آلمان فدرال تصمیم به برگزاری یک تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در بن گرفته اند. شکل های مذکور سخن فراخوان خود را برای ما ارسال داشته اند که در زیر ملاحظه میکنید. ماهه بنا هندگان و نیروهای سیاسی را به شرکت در این تظاهرات دعوت کرده و برای فعالین این حرکت آرزوی موفقیت داریم. سردبیر محترم نشریه پیام کارگر با درج فراخوان بیوست در مطبوعات خویش حمایت از تظاهرات روز جهانی حقوق بشر فرست را برای افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی مخفتم شمرده و کانونهای

ادامه از صفحه ۴

تعریف شده است. ضمنا اکثر این دولتها، ربنیان گذاران ادا ره کمیسیون عالی سازمان ملل در موریتا هندگان (UNHCR) می باشد که تنهیا موسسه بین المللی برای دفاع از حقوق بینا هندگی در سراجا بن بوده است.

(۳) تخمین بنا هندگان جهان توسط (دی سی) واشنگتن ۱۹۸۸، و کمیته آمریکا برای بنا هندگان ۱۹۸۹

(۴) طبق آمارها، ورود متقاضیان بنا هندگی به اروپای غربی میتواند در دست و تا اندازه ای غلط عنوان شده باشد، وارد شدن در واقع ممکن است شامل اشخاصی نیز باشد که قلیقا نشانی بنا هندگیا بن بر رسمیت شناخته شده بوده است. همچنین ممکن است شامل تعدادی از آنها که شتقا بنا بن رده، یا قفا بنا بن را بیس گرفته اند، یا دیواره جزوا ر شده اند، یا سه

کشوران برگشته ندیا به جا های دیگر انتقال یافته اند، نگردد، با در نظر گرفتن این که هسند، افراش ممکن است در واقع کمتر باشد.

(۵) جنبش بی نظم، اولین با روسیله اعضاء کمیته اجرائی کمیسیون عالی درامسور بنا هندگان سازمان ملل (UNHCR) در ۱۹۸۴ عنوان شد. نتیجه کار این کمیسیون ۸ اگوست ۱۹۸۵ منتشر شد (مراجعه کنید به کیلبر با گر، بررسی جنبش های بی نظم متقاضیان بنا هندگی و بنا هندگان، ژنو UNHCR)

(۶) بعضی از دولتها معتقدند که در حال حاضر ۳۰ تا ۴۰ درصد متقاضیان بنا هندگی فاقد مدارک هربت شخصی در مان ورود بن هستند. ماما حبه مولف با دولتها و ادارات کمیسیون عالی بنا ملل در موریتا هندگان UNHCR در بن، بروکسل، کپنهاگ (دین)، ژنو، لندن و پاریس در ۸۹ - ۱۹۸۴،

(۷) آنا با لورن، بنا هندگان جدید در اروپا

وزیر جوانان و خانواده فرستاده شده است و تصاویر تکان دهندهای از آمیزش جنسی با کودکان چهار پیا پندجساله در آن وجود دارد، برده برداشته. در تهیه این فیلمها، کودکان قربانیان سواستفادههای جنسی و تمامی پیا مدهای سخت جسمی و روحی آن در تسمام طول زندگی خود میباشد.

جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - بن کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران - فرانکفورت

در آرخس لحظاتی که نترسه برای ما میرفته املای غیبه دیگری دست ما رسید که متشکل دیکر رنگمان در آرا، در فراخوان جهت نهرات رسما بیست اساسی، به سه شکل ما سرده در وی بیوستند، اباسی این شکل ها غبار رندار:

- ۱- انجمن آلمانی ها - خارجی های، تریویرت
- ۲- کانون بنا هندگان سیاسی ایران - هاکی
- ۳- کانون بنا هندگان سیاسی ایران - اس
- ۴- مرکز ایراسان - در تومند
- ۵- انجمن زنان ایران - کلی
- ۶- کانون دوستداران فرهنگ و هنر ایران - هانوفر

(ژنو ۱۹۷۴)

(۸) باول و ایز، سیمای آنگا و مشکلات بنا هندگان بنساوان و انجمن (ژنو ۱۹۷۴).

(۹) برای مرور بیشتر میتوانید به عنوان مثال به این منابع مراجعه نمائید، جان ویدگورن، مهاجرت بین المللی، جنگ جدید علیه اروپا، اخبار مهاجرت، شماره آوریل - ژوئن ۱۹۸۷ صفحات ستاسی و پنچ.

(۱۰) سالهای ۷۰ و دهه اولتای اروپا شعی تسهیلاتی برای ورود در فنا بنا هندگان می که سه کشورهای اروپای می بدند، قائل شدند، از جمله اجازت راکمکهای اجتماعی، آموزش زبان و قانون بنا هندگی.

(۱۱) به جان ویدگورن، اروپا مهاجرت بیسن - المللی در آینده، از کیل لوشیرو ویلیامونا، بنا هندگان و رورنا بین المللی "مراجعه نمائید.

میخواهم از غرب برایتان بگویم

از الکساندر زیتوف

ترجمه رمیم

ادامه از صفحه ۱

روزنامه شوروی از من صورت میگیرد. و اساساً من در مورد چه چیزی باید بنویسم؟ امروزه در شوروی به آن‌ها که به هر چیز شوروی و از جمله سیستم کمونیستی شوروی و تاریخ شوروی تک می‌اندازند، ارج گذاشته میشود. امروزه چنین نویسندگانی نه تنها مجازات نمیشوند بلکه مستقیماً از طرف مقامات بالا مورد تشویق نیز قرار میگیرند. من از چنین "مردان شجاعی" خود را جدا میکنم و به آنها تعلق ندارم.

اما من ۱۲ سال است که در غرب زندگی میکنم و با جلا ر از نزدیک شاهد زندگی مردم در غرب بوده‌ام. آنچه که من میخوانم در موردش بنویسم، تجربه خود از کشورهای و نقاط شیوه زندگی غربی و مشاهدات خود از حوادث شوروی و نظریات خود در این مورد می‌باشد. به نظر من هم اکنون نوعی بیست روحی گریبان توده‌ها را در شوروی گرفته است. آنها که بوجود آوردگان و متکبرین این بهت و گیجی میباشند، آثرا بیداری و هشیاری پس از دوران سیاه استالین و برزنف نشان میدهند.

اما من این را یک بیس رفت اخلاقی و فکری برای جامعه شوروی میدانم. یکی از دست‌آورد‌های این دوره ایده‌آلیزه کردن غرب میباشد. دور آیدئولوژیک قدیمی در مورد آنکه غرب تنها مرکز سبب‌است جای خود را به دروغ آیدئولوژیک جدید داده است که غرب را محل تمرکز همه خوبی‌ها میدانند. اما آیا واقعاً غرب آن بهشت روی زمین است که خیلی‌ها، در شوروی جلوه می‌دهند؟ من باید اقرار کنم که مسن از دست به قلم برن در مورد این موضوع خجالت میکشم. من خجالت میکشم که در مورد آن غرب واقعی بنویسم. زیرا هزارها جلد کتاب در مورد آن نوشته شده و من چیزی برای اضافه کردن به آن ندارم.

انتیاج شوروی وقتی به غرب می‌آیند محسوس و توراگلا هاسارد منازحه‌ها میشوند. اولین برداشتی که میشود آن است که آن شعار کمونیسم در واقع در غرب عینیت می‌یابد: "هرس کس به اندازه نیازش". اما این برداشت بزودی با در یافتن قیمتی که باید برای کالاها به بردازی تغییر میکند. هیچکدام از ایسین نعمات جوامعی نیستند "برای آنها باید پولس پرداخت" و برای بشت آرون پول، باید کار کرد. ماهیت اصلی این روند زندگی در غرب را معمولاً آشکارا بسه عرضه نمی‌گذارند. این واقعیت زندگی در غسرب پنهان میشود و به آن ماسک زینیا می‌پوشانند. زینسرا در وراي ایسین روند زندگی در غرب است که روح واقعی غرب نیفته است. خه در ویشنیهای پر زور و برقی بونیکها.

تعداد فاسکبه خوشبختند و ملینونها به جیب میزنند زیاد نیست. اما در عوض تعداد آنهاست که آه در ساطند دارند بسیار است.

اینکه از لای کتابها و روزنامه‌ها در مورد بیکاری بخوانی آسان است. اما آنکه خود بیکاری را سالها تجربه کنی و برای گرفتن حق بیکاری مبارزه کنی چیز دیگری است. سیاستمداران آیدئولوژیکهای غرب فریاد میزنند که بسه بیکاری در غرب بیشتر از حقوق ماهیانه افراد در کشورهای کمونیستی است. این يك دروغ دوزان زناکت است.

تمام مواهب غربی برای يك چند منغی هستند که از جنبه مثبت آن جدا خشتی نمیشاند.

بمنوان مثال مسله مسکن را در نظر بگیريد؛

تنها پس از منقهای مدید جستجو و پرداخت حسق الزحمه گزاف به بنکاهای خانهایبی شاید بتوانی موفق شیوه زندگی غربی و مشاهدات خود از حوادث شوروی و نظریات خود در این مورد می‌باشد. به نظر من هم اکنون نوعی بیست روحی گریبان توده‌ها را در شوروی گرفته است. آنها که بوجود آوردگان و متکبرین این بهت و گیجی میباشند، آثرا بیداری و هشیاری پس از دوران سیاه استالین و برزنف نشان میدهند.

به اجاره آپارتمان ویا خانهای شوی البته میتوانی خانه بخری. اما قیمت آن چقدر است؟

ارقام نجومی و هواره در حال افزایش دانشی بسرای خریدن خانه باید از بانک وام گرفت. وامهای اغلسب ۳۰ ساله. و این بدین معنی است که باید دو برابر قیمت خانه را در طول ۳۰ سال به بانک پرداخت کنی. حالا

جریشت داری وام بانک را نپرداز اینک دیگر دولت شوروی نیست انتقاد نمی‌زید و بخشتی در کار نیست تازه هر کسی نمیتواند خانه بخرد. باید فاض داشت.

تمام عرصه‌های زندگی در غرب به همین ترتیب می‌باشند. داشتن سطح بالای زندگی در غرب عمدتاً نه يك امراختیاری بلکه اجباری است (این استاندارد بالای اجباری زندگی اشکال مختلفی برای طبقات مختلف دارد: برای لایه‌های بالای ثروت برای لایه‌های متوسط برای قیر گیر وانگان بقا در فقر و یا ادامه زندگی به خرج جامعه برای لایه‌های

پاشینی را در بردارد.

همه چیز از دور زینیا به نظر میرسد (آزادهل از دور خوش است) و سطح بالای زندگی جوانان در ظاهر فریبسند

به نظر می‌رسد. اما در وراي ایسین زینیا ظاهری سقوط اخلاقی و روحی تپه و فقیر نیفته است.

در مسکو روزگاری این ضرب‌المثل نقل میشد که " سرمایه‌داری میبوسه‌اما از این بوسیدن بوی خوش به مشام میرسد".

در حقیقت سرمایه‌داری در حال بوسیدن نیست. اما سلا متونی بوی گند به مشام میرسد.

از نشاناتجی تا ریشی جمهور همتدر مرد يك چیز حرف‌میزنند و فکر میکنند: "پول هر جا میروی محبت از بیول و زندگی

مرفه است. غرب وسوسه پولش و آیدئولوژیش را گوشنی به همه دنیا و مخصوصاً به مردم کشورهای کمونیستی

سرایت می‌دهد.

من خود شاهد آن بودم که چگونه تپه یکی از نفرت‌انگیزترین عملیات تاریخی ما حسابگری ارزشهای اخلاقی مردم آلمان

شرقی را با پول و هدایای آلمان غربی نابود کردند.

در غرب هم تحمق آیدئولوژیک صورت میگیرد. اگر چه ظاهراً يك آیدئولوژی دولتی همگانی و اجباری در فراگیری متون آیدئولوژیک وجود ندارد. اما انسانها در اینجا با روش بسیار مؤثرتری از شوروی تحمق میشوند. ایسین تحمق آیدئولوژیک از طریق کانالهای متمدن تلویزیونی، ادبیات، کلیسا، فیلم، روزنامه‌ها، مد و خلاصه هر وسیله ممکن صورت میگیرد.

اقتصاد غرب، دیکتاتوری بانکدارها و وابستگان آنها میباشد دیکتاتوری که کمتر بپر حمانتر از دیکتاتوری دولتی شوروی نیست. اقتصاد غرب دیکتاتوری صاحبان بسزرگ سرمایه است.

روسیه تصمیم خود را گرفته و سرنوشت خود را تعیین کرده است. سرفنظر از اینکه ما در مورد کمونیسم بنویسیم

استالین برزنف و دیگر پدیده‌های تاریخ و زندگی روسیه چه نظری داریم، آنچه که ما نمیتوانیم از آن فرام کنیم يك حقیقت تلخ و بیرحم است:

سرنوشت تاریخی روسیه آنچنان محکم با سرنوشت کمونیزم گره خورده است که تلاش برای کنار گذاشتن کمونیسم

وقدم گذاردن در راه غرب آشکارا باعث نابودی تاریخی روسیه و مردم آن خواهد شد.

چنین است زندگی من

وظیفه من همپای سرودم به پیش می رود هستم و نیستم: سرنوشتم این است.

وجود ندارم اگر به درد آنان

که رنج می برند نپردازم

دردهای آنان دردهای خود من است.

چرا که من نمی توانم بود مگر برای همه

برای همه آنان که خاموشند و در بند.

از مردم می آیم، و برای آنان می سرایم

شعرم سرود است و کبفر

به من می گویند: تو از آن ظلمتی.

شاید، شاید، ولی به سوی نور می روم.

من مرد نان و ماهی ام

در لابه لای کتاب‌ها مرا نخواستی یافت

بل در میان زنان و مردان:

لایتنهای را آنان به من آموخته اند.

با بیلونرودا



تظاهرات ضد فاشیستی در هانوفر - آلمان

سه دغرت ۱۵ سنگل وجریان ن سبای آلماسی کدیگه همسنگی ما ساروات مردم آبران - هانوفر ، در تاریخ جمعه ۱۹ نوامبر ۱۹۶۹، تظاهراتی در محل "استادین تور" در هانوفر برگزار شد. در این تظاهرات سترانه ۱۵ هزار شرکت کرده، در اطلاعیه فراخوان آمده بود: در فاطمه روزهای ما ۱۳ نوامبر ۱۹۶۸، تعداد ۴۵۰۰۰ نفر، خواگسا ها نمندان ن سجزی سیمارستان و سروزنگا ه توسط پلیس ناری آلمان تخریب و درهم کوبیده شدند ۰۰۰ روز ۱۹ نوامبر سال

۱۹۶۸ منطقه عطفی در سرکوب و آزارگی بپودی ن در سراسر اروپا بود..... "در این سظاهرات سنگه سیاست سالگرد این روز و در اعتراض به سرسند گرونیات نرا دیرینا سمرگرا رند. برای تحقیق خواسته های ریسرئورا اعلام موضع س: - سرسیت سنا حق حق نرکت درا سنا با ت برای هم. - قانون خا رجیفا لغوا سدگرده. - حق اقامت برای مهاجرین وینا سندان

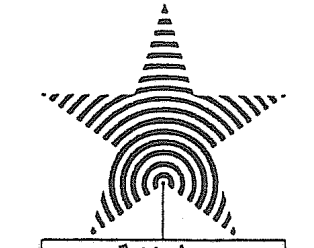
- برداخت غرامت به بارماندگان قربانیان فاشیسم. - الحاق سی قیدو شرط نظامی گری در آلمان. - در مرحله بابائی تظاهرات حدود ۲۰۰ نفر س شافرا و برجها شی بانان نارسه س طرف، تظاهرات گندگان در حرکت سؤندنگه جمعیت یکمدا با شعار سارست اخراج با دگر دبه آ سنا نرسنگ شدند. اما پلیس با دخالت خود موجب شکسته گسره سنا زینا مسر خود را در جهت دیگر تفسیر دهنده. در بابان ن اعلامیه های متعددی ار گروهای مختلف خوانده شکده عمرا هشدار دی سده مردم آلمان که هوشیار با شید و سکا رید که با م هیتلر با ردیگر در سر زمین س تکرار کردد.

کنفرانس بین المللی درباره سوسیالیسم

اخیراً یک کنفرانس بین المللی درباره آینده سوسیالیسم، در شهر نیویورک برگزار شد. حدود ۷۰۰ شرکت کننده مباحثات جدی و پر جنبه ای را در هیئت رئیسه دانشگاه نیویورک سیتی پی گرفتند. از جمله فعالین س مباحثات جوسلوو (از حزب کمونیست آفریقای جنوبی)، مانتینگ مارابل هاری ماگ، سوزف پتر مارکوزه (ره سر آمریکایی)، هلگا آبلر (از حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان)، میوتا بارباند (چپ متحد آلمان) و اولریش بریفی بودند. یکی از برگزار کنندگان کنفرانس، ما جنتا مانتلی رویو - مجله سوسیالیستی است که در ۱۹۶۹ پایه گذاری شده و از نظر خطر طرف چپ سوسیال دمکراسی قرار دارد. بود و بجا و مدرسه مارکسیستی نیویورک نیز از برنامه حمایت نمود. سخنرانی فرانسوا مانتینگ مارابل دانشمند سباه پوست آمریکائی یکی از نقاط عطف کنفرانس در دوره بود. وی (از جمله) بر این ارزیابی بود که حزب دموکرات آمریکا ترجیح میدهد که انتخابات را بیزاد، تا از فردی مثل جنس جکسون حمایت کند. این حزب ناتوان تر از آنست که به ارگان جنبشی اجتماعی تبدیل شود. گرچه بطور سنتی به اتحادیه های کارگری تکیه میکند، بسیاری از ایده های که امروزه تحت عنوان تفکرات "بعد مارکسیستی" عرضه میشوند، در واقع ایده های دمکراتیک و سوسیالیستی قبل از مارکسیسم هستند که بعنوان پاسخ انکسالی قابل درک در قبال استالینیسم طرح میشوند.

در کشوری بدون طبقه سرمایه دار سسر داشت پولریش بریفی تحلیلی از طبقه کارگر جدید در آلمان غربی، که در نتیجه افزایش بارآوری کار پس از جنگ شکل گرفته است ارائه داد. وی از این تحلیل نتایجی برای سیاست چپ استنتاج نمود. بر طبق یاور وی، صرف نظر از اینکه تحول (در ساخت طبقه کارگر) چگونه باشد، جنبشهای نو ده ای نوین می بایدست خود را در شرایط بنیادی بین کار و سرمایه درگیر کنند، ولو اینکه امروزه دیگر نتوان از یک فرهنگ طبقاتی واحد سخن گفت. دیانا جان استون سخنگوی مطبوعاتی همه جریانات سبز در پارلمان اروپا بر رابطه بین تمایل محدود سوسیال دمکراسی غرب و حتی سرمایه داران به حد معینی از اقدامات رفاهی و رفویشی سوسیالیسم اروپای شرقی انگشت گذاشت. وی نیز مانند بریفی به واقعیت تکه پاره شدن طبقه کارگریه دلیل تکنولوژی جدید اشاره کرده و گفت که این طبقه نمی تواند یکسری یک نیروی سنتی مبارزه برای سیاست سوسیالیستی باشد، مباحثه بر سر اینکه "نوع نو سوسیالیسمی در سبک دنیای سرمایه داری ممکن است؟" نیز بسیار جالب بود. تباری ماگدوف سؤالات اصلی زیر را در معرض توجه قرار داد: چه نوع بازار چه نوع برنامه و برای چه کسانی؟ چه مقدار تکنولوژی پیشرفته ورشد اقتصاد و برای کدام بخش جمعیت؟ ماگدوف بر این نظر بود که اگر سوسیالیسم بخواهد در یک دنیای سرمایه دارانه بر پا شود می باید برای باز تقسیم کالا های مصرفی و خدمات را بپذیرا شود. در همان حال حد معینی از برنامه ریزی مرکزی که با یک دمکراسی هوشیار و فعال همراهی شود نیز گریز ناپذیر است.

جوسلوو، دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی اشتباهات گروه های آفریقای که میخواستند "آرگانهای لنینیستی" باشند در نهایت حمایت توده داران دست دادند یاد کرد و گفت آنها با عجله و بدون اینکه شرایط مادی فراهم شده باشد کشورهای خود را سوسیالیستی اعلام کردند، وی با اشاره به اوضاع آفریقای جنوبی، این هدف حزب کمونیست آفریقای جنوبی را مورد تا کیه قرار داد که علیه قانون اساسی ای - سی ازلنو آبرتابید. خودمان بود که آن سرمایه داری بعنوان پرنسب پایه ای در آن وارد شود.



سهای کارگر

رایزنی سازمان کارگران انقلابی ایران در هانوفر

- برنامه های سراسری صدای کارگر:
هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
رنیف ۷۵ متر برابرا ۲ مگاهرتز پخش میشود.
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد.
جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود.
برنامه های صدای کارگریه کردستان:
۶ بمناظر به زبان کردی و فارسی روی موج کوتاه رنیف ۷۵ متر برابر با ۲ مگاهرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.
پنجشنبه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بمناظر جمعه تکرار میشود.

Postfach 650226
1 BERLIN 65
Postfach 1124
5200 Siegburg 1
W. Germany